

اردک‌های بنفش ۱



نویسنده و تصویرگر: مارک فان دخریند

مترجم: مهرنوش گلشاهی‌فر



این کتاب مال است.

WELKOM EGEL

Written and illustrated by Marc van de Griendt.

First published in Belgium and the Netherlands in 2014 by Clavis Uitgeverij, Hasselt - Amsterdam - New York.

Text and illustrations copyright © 2014 Clavis

Uitgeverij, Hasselt - Amsterdam-New York.

All rights reserved.

Persian Translation © Houpa Publication, 2020

نشر هوپا با همکاری آژانس ادبی کیا در چهارچوب قانون بین‌المللی

حق انحصاری نشر اثر (Copyright) امتیاز انتشار ترجمه‌ی این

کتاب را به زبان فارسی در سراسر دنیا با بستن قرارداد از ناشر آن

(Clavis) خریداری کرده است.

انتشار و ترجمه‌ی این اثر به زبان فارسی از سوی ناشران و مترجمان

دیگر مخالف قوانین بین‌المللی و اخلاق حرفه‌ای نشر است.

سرشناسه: گرینت، مارک وان د
Griendt, Marc van de
عنوان و نام پدیدآور: جوجه‌تیغی عزیز! خوش آمدی / نویسنده و تصویرگر مارک فان دخریند؛
مترجم مهرنوش گلشاهی‌فر.

مشخصات نشر: تهران: نشر هوپا، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری: ۳۲ ص: مصور(رنگی).

فروست: اردک‌های بنفش؛ ۱.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۴-۲۰۹-۷؛ دوره: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۴-۲۰۷-۳

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: عنوان اصلی: Welkom egel, 2014

یادداشت: گروه سنی: ب.

موضوع: شخصیت‌های کارتونی -- داستان

موضوع: Comic strip character -- Fiction

موضوع: اردک‌ها -- داستان

موضوع: Ducks -- Fiction

موضوع: خاریشت‌ها -- داستان

موضوع: Hedgehogs -- Fiction

شناسه افزوده: گلشاهی‌فر، مهرنوش، ۱۳۵۶ - مترجم

رده بندی دیویی: ۱۵/۷۴۱۵

شماره کتابشناسی ملی: ۵۹۲۱۵۲۴

جوجه تیغی عزیز! خوش آمدی

نویسنده و تصویرگر: مارک فان دخریند

مترجم: مهرنوش گلشاهی‌فر

ویراستار: نسرين نوش امینی

مدیر هنری: فرشاد رستمی

طراح گرافیک: آتلیه هوپا

چاپ اول: ۱۳۹۸

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۸۰۰۰ تومان

شابک دوره: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۴-۲۰۷-۳

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۴-۲۰۹-۷



آدرس: تهران، میدان فاطمی، خیابان بیستون، کوچه‌ی دوم الف، پلاک ۳/۱،

واحد دوم غربی، صندوق پستی: ۱۴۳۱۶۵۳۷۶۵ تلفن: ۸۸۹۶۴۶۱۵

www.houpa.ir info@houpa.ir

◀ همه‌ی حقوق چاپ و نشر انحصاراً برای نشر هوپا محفوظ است.

◀ هرگونه استفاده از متن این کتاب، فقط برای نقد و معرفی و در

قالب بخش‌هایی از آن مجاز است.

حوجه تیغی عزیز! خوش آمدی



تقدیم به اسکاٹ

آلبرت خمیازه‌ای کشید و گفت: «هنوز خیلی زود است! خورشید خانم تازه بیرون آمده!»

هکتور خیلی آرام در را باز کرد. بعد گفت: «من که می‌گویم هنوز هیچ‌کس بیدار نشده.»



آلبرت گفت: «بیا برویم دوتایی روی شاخه‌ی خودمان بنشینیم و خوش بگذرانیم. این‌طوری می‌توانیم حسابی از سکوت و آرامش جنگل لذت ببریم.»
انگار دنیا فقط و فقط مال آن دو تا بود.




اما هکتور و آلبرت اشتباه کرده بودند. یک نفر دیگر هم بیدار بود.
یک جوجه تیغی کوچولوی بامزه همین طوری آمده بود و جلوی در
خانه‌شان نشسته بود.

آلبرت گفت: «این را ببین! چه جوری آمده تا اینجا؟»

هکتور گفت: «حالا چه جوری برگردد پایین؟»

جوجه تیغی هیچی نگفت، ولی خودش را سر جایی که ایستاده بود، محکم
نگه داشت.



هکتور و آلبرت خیلی سریع همه‌ی میزها و کتاب‌هایشان را روی هم چیدند. همه‌ی روز را کار کردند، اما نمی‌دانستند جوجه‌تیغی را چه‌جوری می‌شود برگرداند پایین. آلبرت آهسته پرسید: «حالا باید چه کار کنیم؟»
هوا کم‌کم تاریک و تاریک‌تر می‌شد.
«ما نمی‌توانیم او را همین‌طوری ببریم داخل خانه‌مان. با این تیغ‌هایش همه‌جا را خط می‌اندازد و همه‌چیز را خراب می‌کند.»
هکتور گفت: «اما بیرون هم که نمی‌تواند بماند! هوا خیلی سرد می‌شود!»

مجموعه‌ی اردک‌های بنفش



کتابی زیبا و دوست‌داشتنی درباره‌ی دوستی‌ها و آرامش!



کتابی زیبا و دلگرم‌کننده درباره‌ی دوستی‌های یک‌هوایی و یک‌دفعه‌ای!



کتابی جالب و پُرماجرا درباره‌ی کشف‌کردن و لمس‌کردن!



کتابی عالی درباره‌ی سفر رفتن و ماندن توی خانه!